

بازجو گفت شما را تحویل خلخال می دهیم!

گفت و گو با عبدالرضا کریمی هم‌رزم شهید نادر مهدوی

بیشتر شبیه فیلم‌های هالیوودی است تا واقعیت. چند جوان پرشور با سه قایق کوچک به جنگ هلیکوپترهای پیشرفته آمریکایی می‌روند و آن‌ها را ساقط می‌کنند. بعد هم توسط ناو ارتش آمریکا اسیر می‌شوند و ۱۰ روز تحت شکنجه قرار می‌گیرند تا اینکه نهایتاً چند نفر از آن‌ها شهید می‌شوند و چند نفر دیگر نجات پیدا می‌کنند. این ماجرای هیجان‌انگیز یک داستان خیالی نیست؛ بلکه ماجرای است که برای عبدالرضا کریمی و دوستانش اتفاق افتاده؛ دوستانی که سرشناس‌ترین آن‌ها را باید شهید نادر مهدوی دانست. با جناب آقای کریمی در یک ظهر پاییزی به گفت‌وگو نشستیم و درباره شهید نادر با ایران از گذشته تا امروز صحبت کردیم؛ صحبت‌هایی که به دلیل تحلیل‌های جالب ایشان به مسائل سیاسی روز هم رسید.



کردند. این عقب‌نشینی و بحث رسوایی مکفارلین و ایران گیت سروصداهایی را ایجاد کرد. اوج این رسوایی زمانی بود که موشک استینگر از درون یکی از قایق‌های ما به سمت هلیکوپتر آمریکایی شلیک شد. یکی از هنرهایی که صورت گرفت این بود که از زرادخانه‌های آمریکا سلاحی به نام استینگر بیرون آوردیم و علیه اهداف هوایی آمریکا استفاده کردیم. اینکه از چه طریقی به دست آمده بود، اسمش را هر چه بگذاریم ایران گیت یا از طریق مجاهدین افغان، به‌هر حال یک هنر بود.

در قضیه مکفارلین به ما داده شد یا خودمان عملیات کردیم و گرفتیم؟

در واقع در آن محموله بود. شلیک آن موشک چند بُرد برابمان داشت، یک برد سیاسی و دیگری نظامی بود. برد نظامی‌اش این بود که توانستیم این سلاح را به دست بیاوریم و علیه هلیکوپتر و پرنده‌های آمریکایی در یک جنگ نابرابر استفاده کنیم. این جنگ اصلاً از لحاظ دانش‌های کلاسیک جنگی دنیا قابل‌پذیرش نیست که سه قایق تندرو با سلاح‌های محدود مثل دوشکا، آر.پی.جی.، کلاشنیکف و نهایتاً یک توپ ۱۰۷ میلی کاتپوشا بتوانند در مقابل ناوگان آمریکایی مجهز به تمام سیستم‌های الکترونیکی، سلاح‌های مدرن، انواع موشک‌ها و توپ‌ها بایستند. ضمن اینکه پوشش هوایی از لحاظ پرنده ثابت و متحرک دارد. این تجهیزات به‌عنوان یک ابرقدرت در مقابل سه قایقی که از درون متن جامعه اسلامی به سمت آن‌ها حرکت کرده است قرار می‌گیرد و منجر به یک جنگ

کلیاتی درباره این که چه شد به جبهه رفتید و شرایط چگونه و مسئولیت‌تان چه بود و همچنین اشاراتی به کارهایی که انجام داده‌اید، بفرمایید تا وارد بحث اصلی شویم.

بسم‌الله الرحمن الرحیم. عربستان سعودی ریشه عثمانی دارد، مثل ترکیه و جنس این دو تا یکی است. باعث‌وبانی شکل‌گیری مصیبتی که برای جهان اسلام به‌عنوان یک غده سرطانی، به نام رژیم صهیونیستی پیش آمده است همین عناصر هستند. حملاتی که عثمانی‌ها در طول تاریخ نزدیک به ۷۰ سال پیش (۱۹۴۵م.) می‌کردند، موجب شکل‌گیری بنیان صهیونیسم در منطقه شد. عقب‌تر که برگردید قبل از ۱۴۰۰ سال پیش هم بنیان تفکر تکفیری، سلفی و اصلاً جهالت محض گذاشته شد و آن‌چه امروز شاهدیم استمرار همان است و متأسفانه نقطه عطف جهان اسلام، یعنی مکه و مدینه در اختیار این‌هاست. آن‌ها دارند طبق سناریوی خودشان عمل می‌کنند که جلوی پیشرفت پیامبر (ص) را بگیرند تا ایشان نتوانند در سرزمین وحی یک حکومت اسلامی تشکیل بدهد و از سرزمین وحی تا بیت‌المقدس - دو مرکز اصلی جهان اسلام - را به‌عنوان قلمروی انبیا و ائمه اطهار (ع) به هم متصل کند و سرزمینی با نام جهان اسلام شکل بدهد. دشمن از جهل خود استفاده و مانع‌تراشی و حضرت را با جنگ‌ها سرگرم کرد تا بتواند فرصت تشکیل حکومت اسلامی را از ایشان بگیرد. آن‌ها کاملاً بیدار و هشیارند و بر اساس آنچه ترسیم شده است گام برمی‌دارند و تا حدودی توانسته‌اند موفقیت‌هایی را در سمت‌وسوی باطلشان به دست بیاورند.

ما هم باید در مقابل این موضوع گام برداریم و تلاش کنیم مقابل هجمه‌شان بایستیم. این حادثه ناگوار که رخ داد، جمهوری اسلامی برای تنبیه عربستان سعودی عملیاتی به نام «خفجی» طراحی کرد. خفجی یک منطقه نفتی از شمال مشرف به عربستان و از جنوب مشرف به آب‌های خلیج فارس است. آن موضوع بسیار حساس بود و همه نیروهای نظامی و حتی سیاسی درگیر قضیه و علاقه‌مند شدند این اتفاق بیفتد، ولی به دلیل شرایطی که پیش آمد این عملیات بسیار حساس، عظیم و گسترده لورفت.

چه سالی؟
سال ۱۳۶۶ و قبل از شروع عملیات.

این عملیات در جواب قضیه برائت از مشرکین بود؟
در واقع انتقام از خون شهدای مکه بود، اما عملیات لورفت و دستور عقب‌نشینی دادند و همه نیروها برگشتند و حدود ۴۰۰ قایق تندرو به دریا زدند تا به نقاطی که برایشان تعیین شده بود حمله کنند.

یعنی آمریکا در دفاع از عربستان علیه ایران وارد شده بود؟

نابرابر می‌شود. در این جنگ نابرابر ما پیروز میدان بودیم و هم ما تلفات عدّه و عدّه دادیم و هم آن‌ها تلفات عدّه و عدّه دادند. این برای آن‌ها شکست محسوب می‌شد.

برد سیاسی این قضیه چه بود؟

وقتی موشک شلیک شد، رسوایی مکفارلین به اوج خود رسید و مکفارلین به‌عنوان مشاور ارشد ریگان استعفا داد و سپس خودکشی کرد. حضور نیروهای مؤمن جمهوری اسلامی در آب‌های خلیج فارس برای دفاع از آب‌های سرزمینی و منطقه‌شان معادلات سیاسی و نظامی را به هم ریخت. دشمن به این موضوع واقف شد و اشراف یافت و دیگر نگذاشت موضوع تکرار شود. هر چه به سمت آمریکا برویم و به دنبال این باشیم لحاف گرمی از آمریکا پیدا کنیم و برویم زیرش تا گرم شویم، به ضررمان است، چون حضرت امام (ره) فرمودند: «امریکا شیطان بزرگ است.» آمریکا زمانی به مفهومی که حضرت امام (ره) تبیین کرده‌اند شیطان بزرگ است که ما در نقطه‌ضعف قرار بگیریم، ولی اگر قوت، عدّه و عدّه‌مان را بر اساس چنین ال‌هی شکل بدهیم «کان ضعیفاً» این شیطان بزرگ در سکوی پایینی قرار می‌گیرد و ما در سکوی بالاتری واقع می‌شویم و اشراف پیدا می‌کنیم.

گفتید در حال گشت‌زنی بودید، هلیکوپترها آرایش نظامی گرفتند و به سمت شما حمله کردند.

همین‌طور است. شهید مهدوی اولین هلیکوپتر را فراری داد، دومین هلیکوپتر را با موشک استینگر زدیم.

شما و سایر نیروهایی که در قایق بودید، آن لحظه به دلیل نابرابر بودن نبرد ترسیدید؟

پیش از این قضیه، در نقطه‌هایی قرار گرفته و اصلاً در عملیات خفجی شهدایتین را خوانده و وصیت‌نامه‌هایمان را نوشته بودیم تا با فراغ بال برویم. این قضیه هم در ادامه همان عملیات بود و آمادگی رودررو شدن با چنین شرایطی را داشتیم. ما پشت سرمان را نگاه نکردیم و همه عقبه‌مان را تکمیل کرده بودیم و نیتمان روبه‌جلو بود و خودمان را برای هر اتفاقی آماده کرده و شهادت، اسارت، مجروحیت و... را پذیرفته بودیم. در این حالت ترس بی‌معنا می‌شود. وقتی موضوع مرگ در قالب شهادت برای انسان حل شود اصلاً ترس از مرگ معنا ندارد و شیرین‌ترین موضوع در عالم خاک برابمان مرگ در قالب شهادت می‌شود.

چگونه شما را دستگیر کردند؟ به چراغ دریایی رسیدید؟

ما به بویه نرسیدیم، چون ۱۰۰ متر شنا می‌کردیم و هلیکوپتر تهاجم می‌کرد و ۲۰۰ متری عقب‌تر می‌رفتیم و به خودمان که می‌آمدیم متوجه می‌شدیم فاصله‌مان از بویه بیشتر شده است. مجبور بودیم با سر داخل آب برویم و پاهایمان بالا